

۳۶۰  
بالتی ہی احسن معاہدہ نمایند باری افغان باید در نہایت ثبوت و استقامت با خلاق الہی ہنرا  
تسویق و تخریص نمایند نظر رعایت الہیہ شامل و نتائج و آثارش ظاہر و باہر خواہد گشت  
از بسود و نفوس از اجابا کہ بلاء اعلیٰ شتا نقد از ہمتی اضران هجوم نمود زیرا فراقشان بریار آن سخت  
واقع شد ولی از ہمتی دیگر اطمینان بعفو و غفران حضرت رحمن است کہ آن نفوس مقدسہ در  
جان ناقصای مظاهر الطاف ربانی گشتند و آنچه در جہان عنصری گشتند در عالم الہی  
عزمنی اندوختہ یافتند از اینجہان ست غامر ما یافتند و حقیقتی از عنصر رحمانی بستند  
و مستغرق بجزانوار گردیدند اسئل اللہ ان یسلطہم لمجنات اعین رحمانیہ فی عالم الانوار

ان زبی لغفور رحیم و علیکما البہاء الابی ۳ اذار ۱۹۱۹

این آیہ قرآن تلاوت نمایند فسوف یعلیک ربک فقرنی مطمئن بفضل مخصوص باشید  
عبد البہاء عباس تبارک

شیراز حضرات افغان سدرہ مبارکہ جناب قائمیز بزرگ و جناب قائمیز اجیب علیہما بہاء اللہ است

۴۰۶

ہوائہ

ای دو افغان شجرہ مقدسہ مکاتیب شمارید ولی جواب تاخیر اقاد زیرا کالت مزاج  
بشدتی بود کہ تحریر جواب نمکن نہ البستہ مندور نہ امید داشت بہمت بنا بہت موارد

خطاتیب مرزوبہاء مبارک

صدیہ فرنگ و یکماہ پیش ارسال شد خواہر رسید و همچنین قبوضاتی کہ خواستہ بودید ہر چند  
از پیش ارسال شدہ بود معلومت نرسیدہ لہذا نسخہ ثانی ارسال میشود و اما در خصوص  
بیت بعضی سوالات نمودہ بودید این سوالات اہدائزوم ندارد اما نسبت کہ از پیش مرقوم شد  
باید از ہیئت اصیۃ ابداً تغیر نماید مقصود تزیین نیست مقصود اینست کہ جمال علی حضرت  
نقطہ اولی روحی لہ الفداء وقتیکہ در آن بیت مہترم بودند همان وضع و کیفیت عیناً باقی  
و برقرار بماند ہیچ وجہ من الوجہ از جمیع خصوصیات بنوی و کلی تغیری نیابد البتہ این لارنت  
و الا اگر خشتی از ذائب خشتی از فتنہ و مرصع بنا شود سراوار اعظم از آنست شما نظر  
باین داشته باشید مقصود حفظ ہیئت اصیۃ است کہ ہم نخورد و ہمچنین نقوش و ابواب  
و سایر مستقرات و اما در خصوص زمین پورت سعید در زمانیکہ حضرت والد مرحوم در پورت سعید  
بودند و خیال مراجعت بشیراز داشتند بن نوشتند کہ شما بجناب اقا احمد ابرکنید کہ زمین  
میرزا اقا را بخرند زیرا ما محتاج بمصرف راہ استیم من نیز در ہما وقت باقا احمد نوشتم  
واقا احمد آن زمین را خرید و اوراق تبادله و رسمیتہ را پیش من فرستادند و آن در  
دوین اوراق من است بعد از رفتن حضرت افغان اقا احمد آن اوراق خواست نوشتم  
کہ من فرستہ ندارم کہ این اوراقی کہ با کتب و الواح در محلی مستور گذار شدہ است

حال بدست آرم لہذا شاد و بارہ بخت افغان بنویسید کہ از جناب آقا میرزا آقا سندی گرفتہ  
 ارسال دارند و ہما وقت حضرت افغان گرفتہ ارسال نمودند و این معاہدہ بواسطہ من اجرا شد  
 و آن اوراق در میان اوراق من محفوظ ولی ہمت لازمست کہ در وقت فرصت جستجو شود  
 و ارسال گردد و الآن اوراقی کہ دوبارہ در زمان حضرت والد بواسطہ خود حضرت والد آقا  
 آقا میرزا آقا گرفتہ شد است در نزد آقا احمد موجود است و این باطلاع من شد اینست  
 حقیقت واقع از قرآن پنجم معلوم میشود کہ حضرت افغان این مسئلہ را از شما مکتوم داشتند  
 البتہ بمان مفر بآید کہ جناب آقا احمد در این خصوص وسیع فی نمودہ اند یا با جناب اخوی  
 آقا میرزا آقا مواطلہ فی کردہ اند این معاہدہ در نہایت کمال مجری شدہ و حضرت  
 افغان کردند و اگر قصوری واقع در بدایت واقع کہ اطلاع بشما دادند و جواب  
 شما در این خصوص بجهت ضعف مزاج تا بحال تاخیر افتاد شما کہ افغان سدرہ مبارکہ مستند  
 باید در امور نہایت دقت را مجری دارید و در حق نفسی تا توانید کمان نبرد

از خدا خواہم کہ روز بروز بر ایمان و ایقان و خضوع

و خشوع و فقر و وفا و محویت تام بیفزائید علیہا

التَّيْبَةُ وَالشُّكْرُ ع ع سَابِقُ

شیراز حضرت افغان سدره مبارکه ۳۶۳ اقامیرزا بزرگ و اقامیرزا حبیب الله

واقامیرزا ضیاء الله علیهم بهادته الاهی

هو الله

۴۰۷

خطاب حضرت مبارک

اینا الفروع من السدره الریحانیة و نامه از شمار سید که اجمده دلیل علیل بر نبوت و روح  
بر امر رب کریم بود اجمده موفق بخدمات بیت استید و باین هوبت کبری مؤید بود در  
ملکوت الاهی مذکور و در نزد عبدالهائ مقبول قدر اینغایت الیه را بدانید و بشکرانه  
جمال مبارک روحی لاجبانه الفداء، پردازید اجمده صیت امراته شرق و غرب را احاطه نمود  
ورایت یا بهاء، الاهی در خاور و باختر موج میزند من بعد رحمت شما از کثرت زوار بسیار  
خواهد شد از حال باید که خود را حاضر نماید تا جمیع زائرین و واردین نهایت سرور و فرح  
و روح و ریحان حاصل نمایند امید چنانست که مبلغین در آنخلة و دیار موفق بخدمات  
فائده گردند جناب فیرنجم ساطع اشیر است فی الحقیقه چنانچه باید و شاید بخدمت پرداخته  
جناب مطلق سراجی بازنه است در هدایت نفوس میکوشد جناب نوش بنیتی عبادی و  
فکری ثاقب و رخی بارق بهدایت نفوس می پردازد قدر این مبلغین را بدانید زیرا در  
امراته جانفشاند هر مبلغی که بموجب نضایج و وصایای الاهی سلوک و حرکت ینماید کعب  
درخشنده

و عاشق کن حبیب ید عموک الی ربک ابحلیل ع ع قد بر

هو الله

بواسطه جناب قاسمیرزا علی اکبر زائر

جناب آقا میرزا حبیب الله افغان و اخوانشان علیم بھاء الله الای

۴۱۷

هو الله

جناب زائر حاضر خبردارد که آنجناب نامه های متعددی از عبدالبهاء دارد لهذا بازخواست می نماید  
این نامه بنماید محض خاطر ایشان بازنامه بمرکت آمد و تحریر پرداخت تا بدانی که در این انجمن  
مذکوری و در عقبه حضرت سبحانی مشهور و عبدالبهاء در جمیع احیان بیادت مالوف و حلیک

التحیة و الثناء ع ع قد بر

هو الله

آباده جناب قان آقا ابان حضرت افغان سدره مبارکه آقا میرزا آقا علیها بھاء الله الای

۴۱۸

اللهی

ای نابت از سدره مبارکه چون بشر ف افتاب فائزی باید بصفت کمال در کل مراتب ممتاز شما  
تا نشاء الله سلاطه جان و دل گردی و از آب و گل بچی منقطع شوی و آن شون فائضه از تجلیات

حق قیوم است بکوش تا از ان انوار مقتبس کردی و از آن آیات متز و البهائم علیک و علی

کمل ثابت علی المیشاق ع ع سدره

هو الله

ش حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقا سید آقا علیه بها، الله

هو الله

۴۱۹

خط مبارک

ای افغان سدره رحمانیه در جمیع احوال و احوال بیاد شما مشغولیم و از فضل حضرت و دود امید داریم که

بخدمت مربی غیب و شهود موفق و مؤید گردی و آنچه سزاوار عبودیت آستان مقدس است موفق و مؤید

شوی تا در خضوع و خشوع و تضرع و تذل و نیاز اناز و در سار عبد البهائم گردی تکلیف بجهت کل عبد

غیب اخلص وجهه لله رب العالمین السائل ان یوفقک علیها ع ع

سدره

هو الاهی

پورت سعید حضرت افغان سدره مبارکه جناب آقا میرزا ضیاء الله علیه بها، الله الاهی

هو الاهی

۴۲۰

خط مبارک

ایضاً سدره مبارکه ورقه مکتوبه ملاحظه گردید نغمه خوشی است شام شد الیوم نفوس ذلیل سدره

الیه مستظلل گشته اند که عنقریب سعادت قلبشان جهانز با شغال آرد امید داریم که آنقریب بدیع

یکی

یکی از آن نفوس قدسیه و میاکی روحیه گردد زیرا از شجره مبارکه نابت لهذا اولی باین نقیبت

عظمی و البهائیک ع ع تہ ب

ہو اللہ

پور سعید حضرت افان سدرہ مبارکہ جناب میرزا ضیاء علیہ بہاء اللہ

ہو اللہ

۴۳۱

خط مبارک

الہی الہی انت الذی غرست شجرۃ رحمتک فی فردوس فردائیک و سقیتها من معین صمدیک

حتی انتشت و نمت و طالت و تفرقت و تشعبت و امتدت و طئت شرق الوجود و غربہ و من

فروعہا ہذا الافنون الثابت الرایح علی میاتک المتشبث بذیل عمدک ایرت بانبت تعلم بانی آیت

ہذا الافنون من کل قلبی و من کل روحی و من کل فوادی و انی راض منہ اشک بفضلک وجودک

ان ترض عنہ و اجعلہ آیۃ فضلک انک انت الکریم الرحیم العفو الغفور ع ع

شیراز جناب افان سدرہ مبارکہ حضرت میرزا ضیاء اللہ علیہ بہاء اللہ الابی حادہ

ہو اللہ

۴۳۲

خط مبارک

یا من اتسب الی الشجرۃ المقدسہ نامہ رسید و از معانی کلمات قبل بملکوت رب آیات واضح

گردید دلیل بر ایمان و ایقان و ثبوت بر عمد و پیمان بود الیوم استقامت عین کرامت و سبب

مناسبت امتحانات شدید و ثبوت بر عهد و پیمان تو چون دگر گلشن الهی نابی البته ثابتی خوشبخت

تو که خالصی و مناسی از نبر مولود بیدید پدید شد که ایچمه الله این فضل در ظل عنایت تو دریافت انشاء الله

از دی محبت الله پرورش نوامد بخت و در عهد معرفت الله نشو و نما خواهد کرد نام میرزا آقا بنیید

تأید گاری آن افغان سدره رحمانیه و مقرب در گناه نمرت احدیه گردد امه الله الموقفه الورقه المبارکه

والده و سایرین را تیحیت محترمانه برسان و عیالک البهائم الابهی ع ع ع ع ع ع

هو الابی

ش حضرت افغان سدره غمسی جناب میرزا ابراهیم علیه بباء الله الابی ملاحظه نمایند

هو الابی

۴ ۲۳

ایها النوع انبئیل بر این سدره المبارکه الیوم شان نفوس سببه بشجره الهیه ایست که چون ستاره اشکبار

از افق عالم و شرقی امم بدرخشند و چون آیت باهره و رایت ظاهره بر آسمان وجود لامع و شهود باشند

اموان بحر اعظم لنالی مبین نشانماید و فیضان غمام اکرم عنایت جلیل احسان کند سدره ایقان

نمار لطیف بار آورد و ارض طیبه طاهره گل و ریاسین بار آورد از فیض قدیم رب حلیل

امید داریم که افغان دو خط بقار ا موثق باستفانته از ملکوت ابی فرماید و در کف نکاتش اجمع

طواره و موارد محفوظ و مسون دارد که در کمال ظهور محفوظ مانند عبد البهائم ع ع ع ع ع ع

عبد میرزا

عظ مبارک



جناب سلطان محمد خان جناب سلطان باقر خان جناب شاد هزاده غلام حسین میرزا جناب حاجی میرزا گز  
 افغان جناب احسان الله پیر جناب قاسم میرزا اسمعیل خان جناب قاسم میرزا اسماعیل خان جناب حاجی میرزا حبیب  
 افغان جناب قاسم میرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب حاجی میرزا ضیا جناب قاسم میرزا باقر خان اصفهانی جناب  
 میرزا عبدالحسین جناب قاسم میرزا علی آستاندار جناب استاد میرزا حیات جناب قاسم میرزا محمد صادق خوارزم  
 قاسم میرزا امداد الله جناب خادم باشی جناب نایب رضا قلی جناب قاسم علی اکبر جناب میرزا حسین  
 پیر قاسم میرزا ابوالقاسم جناب قاسم میرزا درویشان صبیحہ ایشان جناب قاسم میرزا یحیی خان جناب  
 قاسم میرزا علی محمد خان جناب قاسم میرزا ابراهیم خان پیر جناب قاسم میرزا اسمعیل خان جناب قاسم میرزا محمد  
 حنفی

علیم بہاء اللہ الابی

۳۲۴

ہوائے

جناب قاسم میرزا اسمعیل خان

ایندگان جانفشان جمال ابی صفحہ نورانی و نقشہ شمال رحمانی ایران روحانی ملاحظہ گشت  
 نورانیت آن وجہ روحانیت حاصل شد و سرور و فرح در قلوب جلوہ نمود ہر چند شمال جمالی  
 ولی بقیقت جمال روحانی مشہود زیرادرجین محبت نور بین آشکار یا جذا تلک لوجہ النورانیہ  
 و یا فرحاً تلک النفوس الرحمانیہ و یا سروراً تلک کفائق الرومانیہ انی اتوسل بالعروۃ الوثقی  
 و اثببت بذیل رداً الکبریٰ و ارواۃ ان یؤید تلک الذوات المستبشرۃ بمشارتہ اللہ

على اعظم مواهب قدره في ملكوته الالهي ويجعلهم آيات باهرات ونقوشاً ثابتة في اللوح المحفوظ  
والكتاب المسطور ويجعل الوجوه خالصة التوجه الى ابحال الالهي في الهشئة الاولى والحيات الاخرى  
وعليكم التحية والثناء،

الهي الالهي هولاً، قد بعثتهم من مرقده الهوي وشرتهم في يوم اللقاء تحت لوآء القلاء، واتيبتهم لمجنتك من  
الوري واحترتهم لظهور مواهبك على الملا رب رب اجعل تلك الوجوه الناهرة مرآيا، النوار موجباتك الكبرى  
وتلك الاعمى كغرة قريرة بمشاهدة النوار الافق الاعلى انك انت تؤيد من نشأ، على ماشاء وانك انت  
المعطي الكريم العزيز الرحيم الوهاب مع مع سبحة

بواسطة جناب بشير

شيراز اعضاء محفل روحاني عليهم بآاء الله الالهي

هو الله

۴۲۵

الهي الالهي هولاً، عبادا بتبنيتم خدته امرك واحلا، كلمتك ونشر نجات قدسك رب اخلص وجوههم لوجهك  
الكريم وثبتهم على صراطك المستقيم واتهم على خدته بناك العظيم واجعلهم آيات الهدى بين النور  
لينشر واثارك ويتبسوا انوارك ويلتقوا باسرارك ويتنور بهم موطن نورك المبين وتقر حجابك  
العلی العظيم رب اعل درجاتهم وبشر ارواحهم وثبت كلماتهم وانشر آثارهم بين خلقك

انك

خطا كتب به روحاني ببارك

انک انت المقدر العزيز القوی القدير

ع

ع

ع

هواته

ای یاران عزیز شیراز موطن حضرت بی نیاز است باید مطلع انوار اسرار گردد و انجمن عاشقان باید در آن

دیار آنک وجد و طرب را بملکوت انوار رسانند ع ع

علیهم بهاء الله الابه

اعضای محفل روحانی

شیراز

هواته

ایندگان مقرب درگاه جمال مبارک شکر کنید خدا را که در موطن حضرت عالی روحی له الفداء انجمن

آر استید و الفت و یگانگی خواستید محفل روحانی تاسیس نمودید و بخدمت آستان ربانی قیام کردید آن

اقلیم جنت النعیم است و انکسور منور و معطر از نسیم گلشن حلین آن پاک است و آن خود و لغوز با بنا

زیرا موطن آفتاب فلاکت شما چون در آنخله قیام بر خدات نموده اید و در عبودیت آستان شکر

و سهیم این گننام گشته اید باید پنهات شادمان باشید و کامران گردید و مفتخر و مباهی بفضل ناقتنای

الی که بچنین امر عظیمی موفق شدید که نهایت آمال مقربین است و منتی آرزوی اهل حلین اما عبد البهارا

نهایت آرزو و آمال خادمی آنمخل روحانیت تا با لطف ربانی و فیض حمدانی و نفعه رحمانی مصدر

خدات یاران آسمانی گردد و قراعات اطراف بجهت ستمیدگان نیریزد رسید و بهنایت سرود

اخراج ۲۵ این سطر

نظرات هر و اعضا مبارک

قرائت گردید و قبوضات ارسال میشود و علیکم البتاء، الاهی ع ر ع ت س

علیهم بسا، الله الاهی

اعضای محفل روحانی

شیراز

۱۷۱۰

۴۳۷

ایندگان جمال الاهی نامه شماره یک مضمون مفهوم گردید و همچنین نامه یکم بحضرت افغان سدره مبارکه علیه  
بتا، الله الاهی مرقوم نموده بودید و همچنین جواب نامه از حضرت بشا کل نهایت دقت قرائت شد از  
عدم فرصت مجبور بر انحصارم از تأییدات غلبی جمال قدم روحی لاجبانه الفداء، الحمد لله بیت مکرم ارحمت  
اندر اس بیرون آمد تکرار بر اساس اصلی و ترتیب قدیم بنا و انشاء شد و بقدر امکان تفرحات تزیید  
یافت و بتأییدات اسم اعظم کم کم توابع آن بیت معظم مانند شفا نمانه و مدارس یام و بیت عجره  
و غیره کما نیز اتمام و تکمیل میشود خانه ای که تعلق بافغان سدره مبارکه جناب حاجی سید مهدی علیه السلام  
دارد باید خود ایشان تعمیر فرمایند نسیم و شیرکی در آن تعمیرند داشته باشند لکن خدمت ایشان مرقوم  
فرمایند تا به نوع مصلحت دانند مجری فرمایند تا نیر ابد انما سید در اینگونه امور تهاون و تسامح جائز  
نه و از فضل و انی جمال قدم روحی لاجبانه الفداء امیدوارم که آن عمرم مبارک در نهایت عظمت در مقبل  
جلوه نماید و بردا، عزت ابدی منجلی گردد بشمول الطافرا علاحظه نماید که نهایت آمال نیز ملکوت صبح  
هدی نقطه اولی حضرت اعلی روحی له الفداء، این بود که طلعت مقصود جمال معبود شمس حقیقت حضرت  
من بلیزه الله

خط کتابت مراد و انشاء مبارک

من بظرفه الله در یوم ظهور ذکرى از آن شجره طور فرماید حال در ظل غایتش حتی ترابی که منتسب بحضرت

اعلی روحی له الفداست ارتفاع یافت و روز بروز معمورتر گردد و توابع حرم معظم اتساع یابد

و علیکم البیاء، الا بی ع ع س کبیر

شیراز اعضای محفل روحانی حلیم بپا، الله الا بی

اوائمه

۲۲۸

ای سقر بان درگاه کبریا، نامه شمارید و رفته ای که خوف بود بسیار سبب سرور گردید که آن شخص محترم  
چنین اقدامی فرمود و چنین انقادی نمود آنچه دردت حیات اوست فرمودند و مجری داشتند و مبذول کردند جمیع  
فراموش شود این امر سبب بلایی و لکن این مهت که تعلق با و آراء الطبیعه دارد هرگز فراموش نخواهد  
شد و الی الابد در مرور قرون و اعصار مشاهد ما را ناقه مشکبار نثار خواهد کرد زیرا این قضیه در ظل وجهه  
کحل من علیها فان و سقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام و همچنین سبب عزت ابدیه در دو جهان خواهد  
گشت سبب حلیل ایشان در پاریس ملاقات شد و نهایت الفت حاصل گشت فی الحقیقه شایان  
و سزاوار و بزرگوار است و همچنین ملاحظه نمایند که قوه امر الله چگونه در ظهور و بروز است که  
همچنین شخص حلیلی از برای چنین موقعی که آن جسد معتز یک شب دو شب در آنجا امانت گذاشته شده  
بود این جسد مطهر که از خوف امانت اعدا، پنجاه سال ممکن نشد در جانی قرار یابد زیرا اعدا در سدد

خطوات مهمت بسیار است

بودند و اگر بدست اعدا افتاده بود آتش میزدند حال بمقامی رسیده که چنین نفس محترمی در موقعی که  
 رانحه لی از آن جسد معتز و زیده چنین جانفشانی نماید و خدا من فضل ربی فاعتبروا یا اولی الالباب  
 و علیکم البهائم الا بهی عبد البهائم عباس ۱۰ رجب ۴۳۸ هجری قمری

هوائه

۴۲۹

الهی لیس ترانی خانقانی غمار البلاء و غریقی بجار الباساء و الضراء هذا للتصال مطعوناً براح الجور و  
 مجروحاً بلباء الشدة و البنفساء و لم یبق یا الهی موقع من جیدی الا و هو مبرج السهام و لم یبق موضع من  
 الا و هو قریح الرياح و لم یرا علی هذه المسیبة الدجاء و لا الرزیه العمیاء الا لتبلی و تضرعی الی حضرتانک  
 و تو جیبی الی بکوت رحمتیک و ما نعموا منی الا ان امننت بک و بایاتک و ما انزلت من کتیبک و سخاک و ما  
 ارسلت من رساک هذا جرعی و خطائی و کربتی و بلائی مع ذلک ادعوک بسا و ارجوک یحانی ان تقضوا  
 اقرابی الذین افتروا و جاروا علی و اعدوا لی و هتکوا و فکوا رب افرزدنوبهم و اکشف کرههم  
 و سهل سورهم و انزل علیهم رحمتک و لا تحرم عن مواسیک لانهم جعلوا و غفلوا و لو علموا لم یفعلوا فینبئ رحمتک  
 ان تستر عیوبهم و تقضوا عن ذنوبهم انک انت الرحمن الرحیم ثم ادعوک ان تحفظ اولیائک فی صون حمایتک و تحرس  
 اصفیائک فی کشف رحمتک و تشمل ارقائک بلحن تاعین رحمتیک لانهم تحت الهجوم و اهداف الهجوم  
 احاط بهم الفلون و هم من کل ندب ینسلون ثم آتی اعفرو جی برابر الذل و الفناء متبئ التریب و التقاء  
 راجعاً

خط کاتب مرید و کاتب مبارک

راجا جو ارجمتک اکبری فاجرنی یا الی و قریب یوم تقابک و انقذنی یا مولائی و یتیری مشاہدۃ جمالک  
 ان کان رأسی یتیق لعلک فاجعلہ یتھادی علی القناتہ فی سبیلک وان کان دمی حقیق ان یدرنی بسبیلک  
 فاجعلہ مسفوحاً موشاً مسفوحاً علی التراب فی محبتک وان کان صدی حری ان یشتبک فی ولایتک  
 فاجعلہ مدقاً لتسھام بقضائک انک انت الکریم الرحیم العزیز الوهاب وانک انت العلی العظیم التواب  
 ای عزیز الہی در ایندم کہ زلزله امتحانات بقعہ مبارکہ راجرکت آورده و طوفان عظیمی برپاست نامہ روحانی  
 شامقرائت شد و نہایت مسترت حاصل گشت از فضل یزدانی مستدعیم کہ روز بروز ترا نورانی فریاد  
 تا مظر الطاف رحمانی گردی و موفق بر خدمت آستان الہی شوی مختصر اینست کہ از یوم صعود الی اللہ  
 انوی مرابان بہر وسیلہ متک جرت و بہر اسبابی تثبت نمود کہ سراج محبت اللہ را خواہوش نماید  
 در بدایت بشر الواح شہات پرداخت و شرق و غرب را بکلمات متواترکہ ملوث ساخت بجان اینکہ  
 اللہ شہات نسخ آیات باہرات کند مدتی در این قضیہ جدید بلیغ نمود تا یرلیغ جا، اتحق و زہوق اباب  
 ان الباطل کان زہوقاً در سبب حدود و ثغور منشور گشت و چون از این خائب و خاسر شد بسبب  
 دیگر پرداخت و زبان بھتریات گشود و باطراف و الکفاف آنچه توانست تہمت و بہتان انتشار داد کہ این  
 عبار معاد اللہ نسبت بموم نیتی غیر خیر منہم آنچه نوشت بوساطتی البلاغ نمود و لو انھی تریب داد کہ معاذ اللہ  
 اینعباد باد شمنان پادشاهی را بلہ و مغابره دارند و آنمواج ارسال بکومت اینسامان شد ککذیب گشت

بعد با جمعی از بزرگان این عهد در این شهر آمدیم و بعد استان شد و شب و روز عاکف آستان آنان گشت تا آنکه در این ایام با آنان لائحه ترتیب داده که در هر صدی هشتاد و پنج از انالی این صفحات بهائی گشته اند و با اجنبی روابطی بسته اند تربت مقدسه را کعبه اتخاذ نموده اند و مقام کرمان را روضه مطهره حضرت رسول علیه السلام قرار داده اند در اینجا طواف کنند در آنجا سجده نمایند و از این قبیل بسیار باری جمعی بحجت گفتیش این وقایع ما مورگشتند و از اسلامبول با نیا آمدند آنان سراً فحش و بستی نمودند ولی از بخواهان یعنی کسانیکه شریک در آن لائحه بودند و از این آوارگان ابد انوالی نگردند و توسیعی نخواهند و مرحت بهائیان نمودند لکن از این امتحان در بقعه مبارکه روز بروز در اشتداد است سبحان الله اگر دیگران ندانند آنکه یاران واقف سازند و مطلع بر وصایا و نضاح جمال مبارک در جمیع الواح بو صیت صریحه و نصیحت صریحه و او قطعیه کفر از فساد که سبب عدم بنیاد عباد است منع فرموده و باطاعت و دولتخواهی و انقیاد و صد اقت بسیریر پادشاهی امر قطعی فرموده که هر کس فسادی نماید و یا اینکه در اطاعت شهریار فتور و قصور کند از رحمت پروردگار محرومست و از نظر عنایت حق دور و مجبور مادم بنیاست نه بانی نو میدار رحمت پروردگار است نه راجی محرومست نه محرم مجرمست نه مکرم و امحمدتد این نصیحت قاطعه در جمیع اقالم منتشر و در نزد جمیع دانایان مسلم حتی بعض صریح فرموده اند یاران الهی باید با طوائف و ظل در نهایت در بانی رفتار کنند جفا را بوفایا مقابله نمایند و خطا را بصواب مترکنند



تیغ و شمشیر را بشد و شیر متقابلی کنند و تم تقیع را بشرت بدیج مکافات فرمایند هر در دیرا در لمن باشند  
 و هر زخمیر امر هم دل و جان دشمنان را و یاوری کنند و عوانان را محواری کنند و انتقام از خواری  
 و در نگی شمرند سبحان الله ما سالک در این بسیل و خلق مشغول بچه بهتان عظیم ولی اگر بیگانگان مکتب  
 و بهتان پردازند تعجب نبود عجب در اینست که بیگانگان حسن شهادت دهند ولی آشیان بخواب  
 در نهایت شکایت باری با وجود این ما امید داریم که نهایت تکلیف تحمل این جور عظیم نماییم و از صراط  
 مستقیم مقدار جوی تجاوز نماییم متوکل بر خدا ایم و تثبیت بذیل کبریا و در این طوفان بلا صابریم  
 و شاکر و جان در کف گرفته بجان فانی حاضریم و از برای کس رحمت و موهبت طلبیم و عفو  
 و مغفرت جوئیم ربنا رحمنا خطا و اعف عن اثنات و لا تأخذهم بالسینات و بدلتها بحسنات  
 انک انت رب الايات البينات و انک انت الرحمن الرحیم ع ع ع ع ع

هوا

شیراز بواسطه حضرت افغان قاقیزا جید پادشاه میرزا ابوالقاسم و جناب میرزا سید حسن افغان علیهما آتاه

الاسبتی

هو الابی

۳۰

ای دوستان ای بوستان آبی شکر کنید بنده را که از شجره مبارک انبات شدید و بر شحات سحاب غایت در

نظرات و انصاف باری

آغوش اتساب بشیر و حقیقت نشو و نما نمایند این موهبت عظمی است و این فیه کبری قدر اینزادانید

و آنچه لازم و واجب این نسبت است قیام نماید و علیکم البهاء الابی ۲۰ ربیع الثانی ۱۲۲۹

میفا عبد البهاء عباس صاحب

شیراز بواسطه بشیر الی

جناب آقا میرزا محمد حسین نویسنده علیه بهاء الله الابی

هوائه

۴۳۱

خط کاتب

ای هندی نور بدی جناب آقا محمد حسن فی الحقیقه حیات معنوی و زندگی ابدی مبذول داشت

از نقاشات روح القدس استفاضه نمود و در دل و جان تودمید و بدان گلشن رحمانی شد و ضمیر بر

ملیک بدیل گشت مقام اطمینان فوق ایمانست و حق الیقین فوق علم الیقین حال چون از

عین الیقین نوشیدی از فیوضات نامتناهی الکی البته بحق الیقین خواهی رسید تا در دوجان

مظهر الطاف میپایان گردی و علیکم البهاء الابی

هوائه امة الله شیرین علیها بهاء الله الابی ملاحظه نمایند

هوائه

۴۳۲

خط مبارک

ای شیرین جلالت شد و شکر صغرا فراید و علل ایراث کند اما جلالت جمال الی روح

بخش

بخشد و سبب فتوح گردد پس شیرینی دلنشینی در غزوات فردوس است و حلاوت

و ملاحظه نظر در حمن در وجات انس و الہاء علیک رعاع

تجدید

شیراز بواسطہ بشیر الہی

سیرجان بواسطہ جناب آقا سید ہدی نیریزی

حضرت آقا سید علی اکبر حفید حضرت وحید جلیل مجید علیہ بہاء اللہ الابی

ہوائہ

۴۳۳

خطاب

ای حفید آن نور مبین احمدتہ بانسبت جسمانی زادہ عنصر جان و دل آن شخص جلیل ہستی و

دلیل بر این اینکہ بخدمت پرداختی و شمع آن بزرگوار در روشن نمودی و لعلک نیغنی ہذا

منتسبان آن بزرگوار در نزد عبد الہاء عزیز و مقرب در گاہ پروردگار عین عنایت ناظر بہا

و الطاف بیغنی شامل حال ہر یک تائی بانسور ابرار نماید شمع روشن شود و سارہ

درخشندہ گردد و ثابت نماید کہ از عنصر پاک آن کو کب تابناکت

لہذا تا توانی پیروی آن نما و در نشر نجات الہی بکوش

جمع اجا و یاران و اما رحمٰن را تحیت ابدع الہی

برسان و علیک الہاء الابی

شیراز بواسطه جناب آقا محمد حسن بلور فروش و بواسطه جناب سلطان عبدالحسین خان برادر

زاده من ادرک لقا، رتبه فی مقصد صدق عند ملک مقدر جناب قاسمید ابوالقاسم خان جناب

اقامیرزاهدایت الله خان جناب قامیرزا عبدالحسین بهمنی جناب قاسمید عبد الله خان جناب قامیرزا

خان افغان جناب قامیرزا فتح الله خان افغان جناب سادات فی نجار جناب قامیرزا محمد حسین

جناب قامیرزا عبدالحسین عند لیب جناب قاعلی قای ناظر علیهم بهاء الله الایه

هو الایه

۴۳۴

ای ثباتان ای راسخان در روز غوغا و شوینا که جمعی بدون بیستنه و برهان هجوم بجل ثابت برپایان

نمودند شما بحکایت و صیانت پرداختید و تمام توکل در قلوب ما جبین خوف و خشیت انداختید

این جان فشانی بود و از قوت و صلابت ایمانی بیخردان در کینند تا فرصتی یابند و دست

تطاول بکشاید و بظلم و عدوان پردازند این سلاح عاجزانست چون از قوت برهان بی نصیب

گردند و در اقامه حجت حاضر و ضعیف و کنگ و لال گردند دست تطاول بکشاید همیشه

این روش اهل بطلانست و مساکل اهل طغیان این آخر الله و آ، الکی شمرند ولی

بخبران مبین افتند و ضرر و زیان شدید یابند این تصرفات سبب ظهور آیات بینات

و این اعتساف تمهید مقدمات و سبب ابتباه خافلان و جستجوی طالبان گردد

البتّه

خط لایق حضرت مبارک

۳۸۸  
البتة اگر آئی تفکری بنماید ابد تعرض نماید بلکه ماکت وصامت گردند و در حفرة ظنون و اوهام  
خیزده خود را بر پرتو شمس حقیقت محروم و محجوب نماید و قلیکه شهنار الهی مختصر در شیراز بود ستمکاران  
سبب شدند که این صیت عظیم با صفهان و طبران رسید و چون بیشتر کوشیدند و از بیت  
و جنا کردند و سیاست شدید رواداشتند بحیث صفتات ایران سرایت کرد لغو  
کلمه آله در خراسان علم افراخت و چون با طغاء این سراج کوشیدند و بقتل  
وغارت پرداختند و خون مظلومان ریختند و سرها بر نیزه نمودند مردان شهید کردند  
اطفال میر نمودند نساء را ذلیل کردند و مانند دشت بلا صحرای کربلا بنحو نیریزی مظلومان  
پرداختند و بانسارت صبیان و نسوان دست گشودند صیت امرآله بسا اربدان در  
اطراف و کفاف عالم رسید و چون کوشیدند که نور مبین از ایران نفی و سرگون گردد  
علم مبین در عراق بند شد و چون در عراق بنفاق پرداختند سبب شد که جمال قدیم  
بشهر شیر نفی و تبعید شد و کوس اعظم و ناقوس کبر در اسلامبول کوبیده شد و چون از  
مرکز سلطنت عثمانیان با نهایت ظلم و عدوان برومی ارسا نمودند آن اقلیم نیز بر پرتو  
نور مبین یافت و چون از آنکشور بسجین کبر نقل گردید و قلعه ویران بسجین محبوب امرگان  
شد و نهایت ذل و هوان حاصل گردید صیت امرآله و صوت کلمه آله در ممالک

اروپا و امریک انتشار یافت زلزله در آفاق اذخنت و اهل نفاق خائب و خوار  
گشتند و هنوز دست برنمیدارند این تهمکم و تفرض سبب شد که ذای الهی در جمیع  
آفاق بلند گردید هنوز در خواب غفلتند و کمان میکنند که این حرکت مذبوسانه سبب قلع و قمع  
اساس خداوند یگانه است هیبت هیبت جمال مبارک روحی لاجانه الفداء میفرماید  
که اینجوش و خروش علمای جاہل بر منابر و فریاد و نعره های وادینا و اذها در مساکت و معابره  
ذای بامرانه است این نفوس منادی حقند و لکن لاشعروان در ازم فی خوضهم یعبون  
باری الحمد لله شما آنچه باید و شاید قیام نموده اید و مدافعه از هجوم بیگمگران فرمودید طوبی لکم  
من هذه التقية العظمی و علیکم البهاء الاهی عبد البهاء عباس ۱۲ صفر ۱۳۳۹ حیف  
تبارک

۹

شیراز جناب اقامیرزا افضل الله بنانی علیه بهاء الله الاهی

هوائه

۴۲۵

ای بنده صادق آستان مقدس نامه اول را جواب کافی مرقوم گردید فی الحقیقه ضمن  
مورث سرور بود و دلیل بر نظرم فور امید چنانست که آهنگ و شناس اجبای  
شیراز بانگوت راز رسد و در بارگاه قدس ملاء اعلی با بهتر از آرد حال این جواب بنده  
ثانیست

خطا کاتب حضرت مبارک

ثانیست آن نیز بایرات ملفوف رسید از الطائف ربت الاعاف تمنا چنان که ابواب  
برکت باز شود و وسعت رزق آشکار گردد و علیک البهائم الابی ۹ سوال ۱۳۳۷

عبد البهائم عباس متبر

۹

بواسطه جناب آقا میرزا قابل زائر علیه بهاء الله الابی

جناب میرزا افضل الله خان بنان علیه بهاء الله الابی

هوا الله

۴۳۶

ای حضرت بنان حقا عضد یارانی و بازوی قوی ربانیان ایام لقادر خاطر است  
همواره روی دلجویت در این محضر حاضر همیشه یاد تو هستم که در نهایت قبل بدرگاه حضرت  
احدیت قضیع می نمودی و طلب عون و صون از بارگاه رحمانیت می فرمودی و با عبد البهائم  
شب و روز انیس و جلس بودی و در انجمن یاران نفسی نفسی امجدته ابواب مفتوح و نایب  
حکومت ابی در نهایت شمول امید و طید است که آیت باهره گردی و قوتی قاهره در هر دو شهری  
از جنت ابی بمشام رسد و در هر نفسی رشحاتی از سحاب غنایت بگلشن دل و جان ببارد و علیک  
البهائم الابی ۴ محرم ۱۳۳۰ عبد البهائم عباس متبر

تظلمات اصحاب بارگ

شیراز بواسطه جناب عبدالیاب حدیقه توحید علیه بها، الله

جناب آقا محمد صادق خباز علیه بها، الله

هو الله

۴۳۷

خط کتابت در کتب معتبره

ای صادق موافق چه اسم مبارکی داری هر نفسی منظر معنای این اسم باشد یعنی صادق گزارد  
 کوکب ثار قست و نیز بارق و سف فارق صفتی محبوبتر از این نیست و طریقه مقبولتر  
 از این نه بسا کلمه سدی که سبب نجات ملتی شد و با شخص خیس را کلمه راستی عزیز و نفیس  
 نمود و چه بسیار که شخص عزیز محترمی را یک کلمه کذب بکلی از انظار ماقط کرد و از درگاه احد  
 محروم نمود پس ای جان پاک پی صادقان گیر و پیروی راستان کن تا بصدق بمقصد صدق  
 رسی و بر راستی بغزت ابدیه فائز گردی جمیع معاصی بیک طرف و کذب بیک طرف  
 بلکه سینات کذب فروتر است و ضررش بیشتر راست کو و کفر کو بهتر از آنست  
 که کلمه ایمان بزبان رانی و دروغ گوئی این بیان بجهت نصیحت من فی العالم است  
 شکر کن خدا که تو سبب صدور این نصیحت بجمیع نوع انسان شدی همیشه ببنیات  
 قدس مشغول گرد و نامر آنچہ سبب علو و سمو انسانست و از اخص فضائل و خصال  
 اهل ایمان است نما تا مرتب نفوس گردی و نادوی هر گره پر حضور شوی اذن حضور خواسته



بودی این ایام بسیار مشکل چه که بیگانگان در صد این آوارگانند و هر روز کتابی  
 تألیف نمایند و از هر قبیله اقزائی بزنند و طبع و نشر نمایند و آشیان نیز ناقص پیمان در  
 تنزیهات فساد میکنند دیگر معلومت با این دو مهاجم چه قدر کار مشکل است انشاء  
 قدری سکون حاصل میشود آنوقت شمارا میخواهیم حضرت عنذلیب را از قبل من تحت  
 مالا نهایی برسان که همواره بیاد و ذکر ایشان مشغول و علیک التحیة و الثناء ع و  
 شیراز جناب فضل الله خان بنانی علیه التحیة و الثناء

اوائده

۴۳۸

خط کاتب انصاری مبارک

ای ثابت بر پیمان نامه آن جوان نورانی و الفتی الرحمانی رسید و بسیار مختصر و مفید بود  
 بخاری باید چنین باشد در الفاظ با بیجا پردازند و در معانی اعجاز نمایند جمیع یار از ابدل  
 و جان شتاقم و از جشن عظیم در ایام رضوان سرور و شادمان ولی حکمت از دست مدبید  
 و پرده دری مفرماید هر چیز اعتدالش مرغوب تا سبب حقد و حسد دیگران نگردد اما فقره  
 عکس لوله اش وصول یافت و لکن حکسها مفقود معلومت که حکسها را رابوده آن  
 ولی ضرر ندارد انشاء الله سلبا علاء کلمه الله است سرور کامگار داد پرور آن دیار  
 فی السقیة آن اقلیم را در سایه عدل بدامین فرمودند اجنباید قدر امیر جلیل بدانند و شایسته

بر زبان برانند و از خدا بخواهند که پادشاه فرماید بپایه و برقرار دارد امیدوارم که صلیت  
 داد پروری ایشان در مرور قرون و اعصار و در زبان اخیر و اصرار گردد و این خاندان  
 و دوستان محترم ایشان در نزد ابرار پیر قدر و احترام در جمیع قرون و اعصار باشند  
 و علیک البهائم الابی ۳ ثوال ۱۳۲۷ عبدالبهاء عباس تعالیه

بواسطه جناب بشیر

مجلس خدام امراته

هو اته

۴۳۹

ای ایران روحانی در جهان محافل بسیار تشکیل شده محافل سیاسی محافل تجاری محافل صنیعی  
 محافل معارف محافل جزائی محافل برتری محافل دفین اموات غزاه محافل تقیث مسکین و نفعاً  
 و نس علی هذا ولی محفل روشنگرانی ربانی مجمع اجبا زیرا این نفوس بمعشوق حقیقت دل بسته  
 و از قیود عالم فانی رسته و اوضاع زاهدان در شکسته و بیلا اعلی پیوسته با جمیع ملل و نحل  
 ابواب صلح و آشتی گشوده و بانوع انسانی بصدق و راستی برخواستند و با خلاق رحمانی آراسته بقیسمیکه  
 بیگانه را آشنائنده و اخبار را یار دانسته مقصودی جز بندگی بمعوم عالمیان ندارند و راز و نیاز  
 جز ترقی عالم از ما این نخواهند تا توانند خویش و بیگانه را یار یگانه شمرند و دشمن را دوست محتمن دهند

یعنی عدوی تصور ننمایند و بدخواهی بخاطر نیارند بجمع بشر بنهایت محبت نظر کنند و لو در خطر افتند  
بجفا کار و فانی نمایند اگر اذیتی بکنند ستمکار را رحمت و نعمت طلبند اگر باین موثق گردید محض رحمت

و مجمع نورانی و انجمن سبحانی امیدوارم که چنین باشید و علیکم البهائم الاله

ای بهائیان این بایان یعنی از لیا که خود را بابی قبح میدانند مقاصد و عقائد آنها را میدانید قطع  
ریشه انسانست علی مخصوص شما زیرا اساس این فرقه خود بخواریت و اساس شما منطبقی  
و عیسوی و سلیمی حتی غیر خواهی هر دشمنی و نیکی با هر امری و محبت با نوع انسانی هر دین و مذهبی و صد  
بایع بشر از هر آئین و ملی حضرت بهاء الله خطاب بجمع مل و نخل و ادیان میفرماید همه با یک  
دارید و بر یک شاخار ولی خود را از شر شیخ الملک ازلی حفظ نمایند زیرا این بنیاد خفیا

در صد و نقرض است ع ع ع ع ع ع

شیراز بواسطه بشیرا لے

جناب آقا میرزا عیسی علیه بهاء الله الاهی

هو الله

۴۴

ای خادم محفل ملاقات نامه شمارسید چنان معلوم میشود که در شیراز فوج و موج هست  
این از خطای حج غیر بالغه و قفاوای آیات غیر ابهره است ملاحظه کنید که بر سر ایران چه آورده

کتابخانه (۴۳) ضامن است

خطات بر سر کتفها مبارک

قومی را کہ چنین پیشوایان نادان و زمام امور جمہور بدست آنان بہتر از این نخواہد شد و ہنوز  
 آرام نگرفتہ اند باز در امور سیاسی مداخلہ میکنند تا ایران بکلی بپا نہ ہند دست برنمیدارند شما  
 بموجب عقل و فکر حرکت و روش ننمائید عوہدہ بیفایدہ چہ شمر دارد مشغول بکار خود باشید زیرا عقل  
 و فشر تعالیم الہی ایران را سود بی پایان حصول دہد و از خسران و زیان برماند محفل ملاقات بسیار  
 و شب و روز بشرفحات مشغول گردید آن جمع محترم را از قبل من نہایت اشتیاق و ہر بار  
 و رضا و خوشنودی ابلاغ دارید و علیک البہاء الابی ع ع متبشر

ہو اللہ

شتر جناب آقا میرزا علی محمد خان علیہ بہاء اللہ الابی

ہو اللہ

۴۴۱

ایہا الجیب الروحانی اتی احاطیک بسانی واجتک قلبی وجسانی واتضرع الی الملکوت  
 الربانی ان یؤتیک فی کل الشئون علی خدتہ اجبائہ فیذا العالم الامکانی فاستبشر بہذا  
 الدعاء الذی یلوه عبد البہاء بہذا الاسماء لیقرک ربک الی ملکوتہ الابی و علیک التحیۃ

والششاء  
 ع ع

خط کتاب مر و بعضاً ببارک

فارس شیراز بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه آقا میرزا بزرگ

جناب آقا علی محمد علیه بآئنه الاهی

هوایه

۴۴۲

ایمده آستان مقدس آنچه نگاشتی ملاحظه گردید و بر تفصیل اطلاق حاصل شد هفت واد  
 بجهت سیر و سلوک نازل شده و سیر و سلوک بسیار محبوب اگر اهل فقر عبارت از نفوس باشند  
 که در این وادی سلوک نمایند و باین اخلاق متخلق شوند روش راستان گیرند و سلوک آزادگان  
 جویند هر نام که عنوان گردد ضری ندارد در ویش که از قلم اعلی تحریر یافت مغنیش فحواى رساله سلوک  
 بسیار مقبول ولی جمعی الآن در اینجا نماند و بظاهر و باطن هر گشته و پیرشان و مهمل و معطل و بار  
 گران بر سائر ناس بعضی مشغول نشوند و بکار و کسب مالوف نگردند و خود را از آزادگان شمردند  
 و حال آنکه از برای توت شمران و فواکه قوسرگان و موسم خرمای عربستان دو بیت فرسخ طی نمایند  
 اینگونه نفوس همه لهیسته مقبول نه زیرا هر نفسی باید کاری و کسبی و صنعتی پیش گیرد تا او بار دیگر از  
 محل نماید نه اینکه خود محل ثقیل شود و مانند علت کابوس مستولی گردد باری سیر و سلوک در وادی عشق  
 و محبت الله بسیار محبوب و ذکر حق مقبول و از شدت فرح و سرور غرق خوانی و نغمه سرالی مطلق  
 و مادون آن او نام و عیوب و سلیک التجه و الاشتهار ع ع کابرد

خط کتابت هر دو پنجاه و یکبارک

موضوع این خطب حضرت است

ای دوست حقیقی بعضی از دوستان که حال صفت درویشی را بهانه نموده اند در گوشه و کنار و گوشه  
وبازار بریزوا اشاره بتایش جمال قدم مشغول و تشویق اس مالوف غزلخوانی نمایند و نعمه روزگار  
مرایند این نفوس هن بعد ترک این وضع خواهند نمود ولی حال سبب تشویق ناست کسی  
نباید تعرض بآن کند ولی اگر چنانچه پرسه زنی کند این بسیار مذموم است و مخالف دین است  
ومانی استغنا و سلب ذل امر الله ع ع ع ع ع ع

فارس شیراز بواسطه حضرت افغان سدره مبارکه اقا میرزا بزرگ

جناب اقا علی محمد علیه بقاء الله الاهی

خط کا تبسم و بخت مبارک

ای تنی حضرت عالی چون باین اسم مبارک تسمیه گشتی بیدبیره و نصیبی از فیض و جوی و ماند  
پروانه حول شمع روشن ملاء اعلی بال و پر بسوزی آنسراج هدی جمال ابیست که در ملاء اعلی  
ساطع بر آفاق است حضرت عالی روحی وداتی له الفداء ملاحظه نما که چگونه جان بان سراج  
و تاج باخت و عاشقان را بجان فثانی و قربانی دلالت و هدایت فرمود روحی و کینوتی و دانی  
و حقیقتی و هویتی و ستری و علانی لقطره من مده المطهر الفداء و علیک التحیه و التهنیه ع ع ع ع ع ع